



### اشاره

دشمنان کینه‌توز اسلام پس از تصرف کشورهای اسلامی می‌کوشند تا با تغییر فرهنگ، زبان و حتی خط مسلمانان، سلطه خود را کامل و پایدار کنند و آن‌ها را از فرهنگ ریشه‌دار و پرافتخارشان جدا سازند. کینه‌توزی دشمن نسبت به مسلمانان و فرهنگ اسلامی را می‌توان از گذشته تاریخ تا حال مشاهده کرد؛ از اندلس، ترکیه، الجزایر، بوسنی و... تا بوجریب. این نوشتار تگاهی است گذرا به جنایت‌های مسیحیت پس از تصرف اندلس، و جنایت‌های آمریکا و صهیونیسم در بوسنی، فلسطین، افغانستان و عراق.

### از دیروز...

فردیناند، مطابق معاهده‌ای که با مسلمانان بسته بود، آنان را در انتخاب مذهب و زبان آزاد گذاشت؛ ولی از سال ۱۴۹۹ میلادی، شروع به تعدی و زیر پا گذاشتن حقوق آنان کرد. او دستور داد تا همه مسلمانان، مسیحی شوند. مسلمانان تصمیم به مقاومت گرفتند؛ ولی از امکانات نظامی برخوردار نبودند. سرانجام علاقه به وطن و بیم از فقر و بی‌سامانی خانواده‌ها،

هادی قطبی

# از آدم سوزی غرناطه

◆◆ از آغاز تاکنون چنین بوده که علیه «مذهب» بتازند، رعایت نکردن موازین اخلاقی و نسل کشی بر ضد مسلمانان، از جمله اصول مهم و اساسی برای دستیابی به این هدف است. یهود و صهیونیسم در آغاز تصرف هر کشوری، قبل از هر چیز، «نژاد، زبان و فرهنگ» آنان را تغییر می‌دهند.

بسیاری از آن‌ها را در سال ۹۰۴ قمری وادار به تسلیم کرد، به دنبال آن مسیحیان مساجد را بستند و مسلمانان را از اقامه شعائر دینی بر حذر داشتند و عقاید و احکامشان نیز مورد بی‌احترامی قرار گرفت.<sup>۲</sup>

فردیناند سرانجام در طول یک قرن، موفق به اخراج مسلمانان شد. ابتدا آن‌ها را به زور و اکراه وارد آیین مسیحیت کرد و سپس به‌بهانه این که مسیحی واقعی نیستند، همه را به دیوان عدالت مقدس مذهبی سپرد. دیوان مزبور تا حد امکان، آنان را در آتش انداخت؛ اما به سبب دشواری و کند انجام شدن این کار، کمر همت به اخراج مسلمانان بست. در یکی از مهاجرت‌ها، ۱۰۰ هزار نفر کشته و ظرف چند ماه بیش از یک میلیون مسلمان از اندلس خارج شدند.

مطابق نظر «سدیلو» و بیش‌تر مورخان، از آغاز فتح فردیناند تا هنگام اخراج مسلمین از اندلس، سه میلیون نفر از تعداد رعایای کشور کاهش یافته است. کشتارهای صورت گرفته در این دوران و البته بعد از چنین قتل عامی، به حدی گسترده است که واقعه «سن‌بارتلمی»<sup>۳</sup> در برابر آن، ناچیز به شمار می‌آید.<sup>۴</sup>

یکی از تاریخ‌نگاران آن عصر، در شرح این مصیبت دردناک می‌نویسد: «پادشاه کاستیل، مسلمانان را به قبول کیش مسیحی فراخواند و آن‌ها را ناگزیر بر آن ساخت و این در سال ۹۰۴ هجری بود. مسلمین نیز با اکراه، دین آن‌ها را پذیرفتند و به این ترتیب اندلس همگی مسیحی شدند و گوینده «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در آن جا باقی نماند مگر کسانی که آن را در دل و پنهان از مردم می‌گفتند. پس از اذان، ناقوس‌ها به صدا درآمد و در مساجد، مجسمه‌ها و صلیب‌ها، بعد از ذکر خدا و تلاوت قرآن نهاده شد...

چقدر بینوایان و گرفتاران که قادر نبودند مهاجرت کنند و به برادران مسلمان منحق شوند... نگاه می‌کردند به فرزندان و دختران‌شان که در برابر صلیب عبادت می‌کنند و در مقابل مجسمه‌ها سجده می‌نمایند؛ گوشت خوک و مردار می‌خوردند و شراب می‌نوشیدند... ولی قادر نبودند که آن‌ها را منع و توبیخ کنند.»<sup>۵</sup>

سرمداران کلیسا علی‌رغم تأکیدات اناجیل درباره بردباری و محبت به هموع، به سرکوبی دانشمندان و دارندگان افکار مترقی همت گماشتند. آنان به گمان خود، تحولات علمی را که از اسرار طبیعت پرده برمی‌داشت، دست‌کاری در خلقت خدایی پنداشتند

و درصدمقابله با آن و نابودی انقلاب فکری برآمدند.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، آن‌ها که نمی‌توانستند پیشرفت مسلمانان را در زمینه‌های گوناگون تحمل کنند، روشی قاطع برای مبارزه در پیش گرفتند و بدین ترتیب، دادگاه تفتیش عقاید در قرن ۱۳ میلادی، توسط کلیسای کاتولیک تأسیس شد. ده‌ها هزار انسان، زنده زنده سوزانده شدند.

ظرف ۱۸ سال، رئیس یکی از این دادگاه‌ها به تنهایی حدود ۲۲۰ نفر را به زنده سوختن محکوم کرد. عفو برخی از این افراد به این بود که قبل از سوزاندن، آن‌ها را خفه می‌کردند! در مدت زمانی که این جنایت صورت گرفت، بیش از ۳۲۰۰ نفر زنده زنده سوزانده شدند و ۳۴۰۰۰ نفر به شکنجه‌های دیگری محکوم شدند که به مرگ می‌انجامید.<sup>۷</sup>

«کری ولف» از محققان اروپایی می‌گوید: مأموران محکمه تفتیش عقاید، متهم را داغ و چنان آویزان می‌کردند که اعضایش از جا درمی‌رفت. با گاز انبر، تکه تکه از گوشت تنش را می‌کنند. دست‌ها و پاهای او را در گيره‌های آهنی مخصوصی چنان می‌فشردند که استخوان‌هایش به صدا درمی‌آمد و می‌شکست و از انواع شکنجه‌ها این بود که زیر ناخن‌های متهم، سوزن فرو می‌کردند.<sup>۸</sup>

شهید مطهری (ره) نیز در مورد جنایت‌های عظیمی که مسیحیت در اندلس مرتکب شد، می‌گوید: «پانصد سال پیش فاجعه بزرگی براسلام و مسلمین وارد شد (در حدود سنه نهصد، در سال هشتصد و نود و هشت خاتمه پیدا کرد) یکی از مراکز تمدن اسلامی از آن‌ها گرفته شد، این همه آدم کشته و سوزانده شد، مسیحی‌ها یکجا سه هزار نفر را سوزاندند

# تازندگان‌های ابوغریب

آن را در هم کوبید تا با زوال آن، آثار اسلام را از میان بردارد. شهرهای بزرگ، ویران گردید و خرمی دشت‌های سرسبز آن از میان رفت. دزدان و راهزنان و غارتگران، جای دانشجویان و بازرگانان و جنگجویان را گرفتند.<sup>۱۲</sup>

مسیحیان در برابر مسلمانانی که از مسیحیت سر باز می‌زدند و یا اعتقادشان صوری بود، جنگ خونینی راه انداختند. لشکر مسیحیت، ۱۳ هزار نفر از مردم مسلمان را به جرم دفاع از ناموس خود، به خاک و خون کشاندند. ۳۰ هزار نفر از مردان و زنان را به سبب نپذیرفتن دین مسیح، از دم تیغ گذراندند. مسجد و مدرسه شهر «والاس» را آتش زدند. پس از مدتی لشکر کشی و درگیری بین حاکمان و نظامیان و... زمامدار بزرگ مسیحی «ایلدفولنس» وارد قصر پادشاهی قرطبه شد و ۵۰ دختر زیبا از دختران زمامداران اسلامی را بین سران سپاه خود تقسیم کرد. مسجد قرطبه را با خاک یکسان کرد و محل آن را برای فحشا و فسق و فجور اختصاص داد. کتابخانه اسلامی قرطبه را آتش زد که مشتمل بر بیش از ۸۰ هزار کتاب بود و ۴ هزار نفر از اهالی قرطبه را به قتل رساند.<sup>۱۳</sup> گوستاولوبون فرانسوی در مورد کتاب‌سوزی مسیحیان در اندلس می‌نویسد: «اسقف اعظم (کزیمنس) کتبی را بالغ بر هشتاد هزار جلد، طعمه حریق کرد».<sup>۱۴</sup>

آری! جنایات‌های مسیحیان در قتل و غارت، کتاب‌سوزی، تفتیش عقاید و تغییر مذهب در اندلس، راهی بود که اروپا و سردمداران کلیسا برای مقابله با تمدن اسلامی، و تغییر حکومت و نیز زمینه‌سازی برای زندگی ضد دینی پیش گرفتند.

#### تا امروز...

داستان غم‌انگیز اندلس، نمونه روشنی از عداوت و کینه‌توزی دشمنان با تمدن و فرهنگ سترگ مسلمین است که متأسفانه بر اثر سهل‌انگاری و غفلت حاکمان رقم خورد. با مرور عملکرد استعمار نو در کشورهای مسلمان، تکرار این خوی حیوانی و دشمنی عمیق، به روشنی دیده می‌شود.

تعرض به فرهنگ و ناموس مسلمانان و اءعمال رفتارهای ضد بشری و پایمال کردن حقوق انسانی، اصل جدایی‌ناپذیر و روش همیشگی سردمداران جهان کفر و استعمارگران غربی است که در هجوم به تمام ممالک اسلامی به کار رفته و جزو ویژگی ذاتی آن‌ها شده است.

امروزه بین استعمار جدید و قدیم تفاوت‌هایی به وجود آمده؛ اما مبانی آن تغییر نیافته و به واسطه فناوری و پیشرفت‌های

و آتش زدند. از یک عده دویست هزار نفری مسلمان که می‌خواستند مهاجرت کنند و خود مسیحی‌ها به آن‌ها اجازه مهاجرت داده بودند، صد هزار نفرشان را در بین راه کشتند. «گوستاو لوبون» که خودش مسیحی است، می‌گوید جنایاتی که در اسپانیا



♦♦ کتابخانه اسلامی قرطبه را آتش زد که مشتمل بر بیش از ۸۰ هزار کتاب بود و ۴ هزار نفر از اهالی قرطبه را به قتل رساند

♦♦ شهید مطهری (ره) نیز درباره جنایات‌های و بسیاری که مسیحیت در اندلس مرتکب شد، می‌گوید: «پانصد سال پیش چنین فاجعه بزرگی بر اسلام و

مسلمین وارد شد، یکی از مراکز تمدن اسلامی از آن‌ها گرفته شد، این همه آدم کشته و سوزانیده شد، مسیحی‌ها یکجا سه هزار نفر را سوزاندند و آتش زدند. از یک عده دویست هزار نفری مسلمان که می‌خواستند مهاجرت کنند و خود مسیحی‌ها به آن‌ها اجازه مهاجرت داده بودند، صد هزار نفرشان را در بین راه کشتند. «گوستاو لوبون» که خودش مسیحی است، می‌گوید: جنایاتی که در اسپانیا مسیحی‌ها به مسلمان‌ها کردند، در تاریخ دنیا نظیر ندارد.

مسیحی‌ها به مسلمان‌ها کردند، در تاریخ دنیا نظیر ندارد».<sup>۱۵</sup>

در اثر همین سخت‌گیری‌ها بود که «کامیونان» (یکی از نویسندگان اسپانیا) می‌گوید: «تا سال ۱۷۷۶ در تمام کشور یک نفر شیمی‌دان یافت نمی‌شد که از عهده ساختن داروهای خیلی ساده برآید و یا یک نفر آدمی که بتواند یک کشتی معمولی را تعمیر کند یا لاقل از عهده ساختن بادبان آن برآید، به دست نمی‌آمد».<sup>۱۶</sup>

استاد «لاین بول» می‌گوید: «عظمت اسپانیا با سقوط غرناطه از میان رفت... آن‌گاه پرچم ویرانگر با حکومت دیوان تفتیش عقاید به‌هتزاز در آمد و از آن پس، ظلمی انبوه در اسپانیا حکمفرما گردید. کار به جایی رسید که پزشکان در سرزمینی که علوم آن در همه جایرتو افکنده بود، از مرز جهل و بی‌خبری قدم فراتر نگذاشته بودند... به علوم و فنون شهر اشیبلیه و طلیطله و المریه نیز خاتمه داد و صنایع آن را از میان برد، مراکز علمی و مدارس

بشری، صورت جدید به خود گرفته است؛ به طوری که بخش قابل توجهی از اهداف خود را به مدد غول‌های رسانه‌ای و تبلیغات اغوا کننده و مہرہ‌های نفوذی و زمینہ‌سازی در کشورہای طعمہ، عملی می‌سازند. نمونہ‌های فراوانی از این دست، از روی کار آمدن عمال دست‌نشانده در کشورہای

مسلمان و غیرمسلمان را می‌توان نام برد کہ باتائیر و تحریک غیرمستقیم، مہرہ‌های همسو و همفکر با خود را روی کار آورده‌اند و به وسیلہ آن‌ها زمینہ تغییر فرهنگی و وابستگی اقتصادی و چپاول منابع و ثروت‌های آن کشورها فراهم شده است؛ جنگ خانمان‌سوز ویتنام، بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، سقوط دولت آئندہ در شیلی، کمک به فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی،

سرنگونی دولت گرجستان، تلاش برای کودتا در ونزوئلا و نمونہ‌های بسیار دیگر. در کشور بزرگ اسلامی ترکیہ، نسل‌کشی، تجاوز، گسترش فرهنگ ماہوارہ و تبلیغ بت‌پرستی و ایجاد کابارہ‌ها و نیز تغییر رسم‌الخط از عربی به لاتین، آن‌ها را از فرهنگ اسلامی دور کرد و به آداب و رسوم جاہلیت مدرن سوق داد. در الجزایر از به قدرت رسیدن گروه‌های اسلامی جلوگیری کردند و با کشتار و زندانی کردن مبارزان، حاکمی وابستہ به خود روی کار آوردند.

در بوسنی و ہرزگوین و چچن نیز چہرہ واقعی مدعیان دروغین دموکراسی و حقوق بشر آشکار شد. سربازان صرب، چنان وحشیانہ و بی‌پروا بہ مسلمانان یورش می‌بردند کہ گویا برای لذت بردن از کشتہ شدن آفریدہ شده‌اند و جان مسلمانان، پشیزی ارزش ندارد. وقتی خبرهایی چون بریدن انگشتان کودکان بوسنی توسط سربازان صرب، دریدن شکم مادران باردار و شرط بندی بر سر پسر یا دختر بودن جنین، تجاوز بہ زنان و دختران مسلمان در حضور محارم آن‌ها، زدن نقش صلیب بر بدن مسلمانان، یہ دار آویختن کشتہ‌شدگان و بی‌حرمتی بہ آنان، توپ‌بازی سرباز صرب با جنین زنان باردار، فروش کودکان بہ کشورہای بیگانہ، تخریب و آتش زدن مساجد و کتابخانہ‌های مسلمانان و ہتک حرمت مقدسات اسلامی

و... را می‌خواندیم و می‌شنیدیم، چنان متأثر می‌شدیم کہ درد و افسوس، عمق وجودمان را فرا می‌گرفت و دردناک‌تر این کہ در خواست کشورہای اسلامی و بویژہ ایران برای اعزام نیروہای حافظ صلح در پوشش سازمان ملل، از سوی کشورہای غربی بہ دلایل واہی رد شد و بوسنی و ہرزگوین



◆◆  
سردمداران  
کلیسا علی‌رغم  
تاکید اناجیل  
دربارہ بردباری  
و محبت بہ  
ہمنوع، بہ  
سرکوبی

دانشمندان و دارندگان افکار  
مترقی ہمت گماشتند. آنان بہ  
گمان خود، تحولات علمی را کہ از  
اسرار طبیعت پرده برمی‌داشت،  
دست‌کاری در خلقت خدایی  
پنداشتند و در صدد مقابلہ با آن  
و نابودی انقلاب فکری برآمدند

◆◆ «واشنگتن پست» دربارہ  
وضعیت زندان ابوغریب  
می‌نویسد: «زندانیان عراقی،  
از سوی سربازان زن آمریکایی  
مورد تحقیر جنسی قرار می‌گیرند  
و در برخی موارد نیز مجبور  
می‌شوند از فضولات تغذیہ کنند.»

◆◆ تعرض بہ فرهنگ و ناموس  
مسلمانان و اعمال رفتارہای ضد  
بشری و پایمال کردن حقوق  
انسانی، اصل جدایی‌ناپذیر و  
روش ہمیشگی سردمداران  
جهان کفر و استعمارگران غربی  
است کہ در ہجوم بہ تمام ممالک  
اسلامی بہ کار رفته و جزو ویژگی  
ذاتی آن‌ها شدہ است.

و مسلمانان آن در آتش خشم و کینہ و  
ہوسبازی غرب سوخت.  
«ایوان لورونویچ» (تاریخ‌دان بوسنیایی)  
با چاپ مقالہ‌ای در روزنامہ نیویورک  
تایمز، با اشارہ بہ جنایت‌های صرب‌ها  
در نابودی مراکز و بناہای تاریخی و  
فرہنگی ملت مسلمان بوسنی می‌نویسد:  
«یکی از بزرگ‌ترین گنجینہ‌های اسناد و  
کتب تاریخی و اسلامی کہ قدمت آن‌ها بہ  
بیش از چند ہزار سال می‌رسید، در یک  
آتش‌سوزی مہیب در مرداد ۱۳۷۱ تبدیل بہ  
خاکستر شد. در این کتابخانہ، صدها ہزار  
سند، نقشہ، نسخ خطی، کتب تاریخی و  
اسلامی نابود شد.» وی با بیان این مطلب  
کہ سوزاندن کتاب در اروپا امری ناشناختہ  
نیست، می‌افزاید: سوزاندن کتاب و آثار  
هنری و تاریخی بوسنی ہرزگوین را شاید  
تنہا بتوان با بہ آتش کشیدن کتابخانہ عظیم  
شہر اسکندریہ مصر توسط سربازان روم  
مقایسہ کرد.<sup>۱۵</sup>

۵۰۰ ہزار کشتہ و بیش از ۶۰۰ ہزار  
آوارہ و ۳۰ ہزار اسیر زن و ۴۰۰ ہزار  
زخمی، از نتایج قطعی ہجوم وحشیانہ  
صرب‌ها بہ مسلمانان بود.

در فلسطین، افغانستان و عراق نیز  
وضع بہ ہمین گونه است. کشور مسلمان  
فلسطین، با پشتیبانی استعمار انگلیس در  
اختیار صہیونیسم قرار گرفت و در نیم قرن  
اخیر شاهد جنایت‌های وحشیانہ فراوانی

♦♦ «ایوان لورونویچ» (تاریخ‌دان بوسنیایی) با چاپ مقاله‌ای در روزنامه نیویورک تایمز، با اشاره به جنایت‌های صرب‌ها در نابودی مراکز و بناهای تاریخی و فرهنگی ملت مسلمان بوسنی می‌نویسد: «یکی از بزرگ‌ترین گنجینه‌های اسناد و کتب تاریخی و اسلامی که قدمت آن‌ها به بیش از چند هزار سال می‌رسید، در یک آتش سوزی مهیب در مرداد ۱۳۷۱ تبدیل به خاکستر شد. در این کتابخانه، صدها هزار سند، نقشه، نسخ خطی، کتب تاریخی و اسلامی نابود شد.» وی با بیان این مطلب که سوزاندن کتاب در اروپا امری ناشناخته نیست، می‌افزاید: سوزاندن کتاب و آثار هنری و تاریخی بوسنی‌هرزگوین را شاید تنها بتوان با به آتش کشیدن کتابخانه عظیم شهر اسکندریه مصر توسط سربازان روم مقایسه کرد.



بوده است که کشتار صبرا و شتیلا و دیر یاسین، از جمله آن‌ها به شمار می‌آید. زندانیان در فلسطین، افغانستان و عراق، از وضعیت نامناسب بهداشت روحی و جسمی رنج می‌برند. وائل داوود علی سعید که از بندر رژیم صهیونیستی آزاد شده است، می‌گوید: «مسئولان زندانی که او در آن جا اسیر بوده است، از خروج زندانیان برای قضای حاجت جلوگیری می‌کنند و آن را فقط به ساعت ۸ تا ۱۰ صبح محدود کرده‌اند... اجازه نمی‌دهند لباس‌ها، نامه‌ها، و عکس‌های خانوادگی زندانیان به داخل زندان منتقل شود. فردی که در سلول‌های انفرادی انداخته می‌شود، ارتباطش با دنیای خارج کاملاً قطع می‌شود، و از بازدید هلال احمر و خانواده، و حتی هواخوری محروم است. زنان زندانی در وضعیت بدتری به سر می‌برند و از لحاظ بهداشت با مشکل جدی روبه‌رو هستند، در زندان‌های انفرادی مجبور به زایمان هستند و...»<sup>۱۶</sup>

در افغانستان نیز وضع به همین گونه است. عبدالرحمن هوتکی - رئیس سازمان حقوق بشر و محیط زیست افغانستان - زندان‌های آنجا را نامناسب، متراکم، و از لحاظ بهداشت و تغذیه نامطلوب می‌داند.<sup>۱۷</sup> اوضاع زندان‌های ابوغریب و گوانتاناما، آب پاک‌ی بر دست آمریکا، اسرائیل و

انگلیس ریخته است. «واشنگتن پست» درباره وضعیت زندان ابوغریب می‌نویسد: «زندانیان عراقی، از سوی سربازان زن آمریکایی مورد تحقیر جنسی قرار می‌گیرند و در برخی موارد نیز مجبور می‌شوند از فضولات تغذیه کنند.» به گفته بسیاری، زندانیان عراقی به محض ورود به زندان مجبورند در مقابل زندانیان برهنه شوند و تا چند روز برهنه باقی بمانند...<sup>۱۸</sup> اضافه کنید از بین بردن آثار و ابنیه تاریخی و اسلامی، سرقت موزه‌ها، تخریب مساجد و... را.

غربی شیفتگان تمدن غرب و آمریکا کجایند؟ آنان که گمان می‌کنند ورود تمدن غرب به دنیای اسلام، و برقراری رابطه با انسان، مشکلات جهان اسلام را حل می‌کند! از آغاز تاکنون چنین بوده که علیه «مذهب» بتازند، رعایت نکردن موازین اخلاقی و نسل‌کشی بر ضد مسلمانان، از جمله اصول مهم و اساسی برای دستیابی به این هدف است. یهود و صهیونیست در آغاز تصرف هر کشوری، قبل از هر چیز، «نژاد، زبان و فرهنگ» آنان را تغییر می‌دهند.

سردمداران دنیای کفر و ظلم، با جنایت‌هایی که فقط با سرشت حیوانات وحشی سازگار است، قصد حذف دین و مذهب را از دهکده جهانی دارند، همانان که با ایجاد زندان‌های ابوغریب و گوانتاناما، مردم بی‌گناه را با شکنجه‌های گوناگون و

آزارهای جسمی و روحی، از حق زیستن در آرامش محروم می‌کنند؛ اما مسلمانان به وعده الهی ایمان دارند که «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمنا یعدون لی لا یشرکون بی شیئا...»<sup>۱۹</sup>

#### پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیش‌تر از مفاد عهدنامه و شرایط تسلیم، ر. ک: محمد عبدالله عنان، صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام، ترجمه علی دوانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی‌تا، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

۲. همان، ص ۳۳۳.

۳. ر. ک: لویون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، بی‌جا، بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۴، چاپ چهارم، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۴. وی به دستور شارل نهم (پادشاه فرانسه) ۵۰۰ نفر از خواص و ۱۰ هزار نفر از عوام را در پاریس از دم شمشیر گذراند.

۵. لویون، گوستاو، پیشین، ص ۳۳۸.

۶. اخبار العصر فی انقضاء دولة بنی نصر، ص ۵۴ و ۵۵؛ به نقل از: صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام، ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

۷. گالیله در سال ۱۶۱۰ جزوه‌ای به نام فاصدان آسمان، منتشر کرد که تحسین دانشمندان و خشم و تکفیر کلیسا را برانگیخت. وی در این جزوه، سیارات را بیش از هفت عدد می‌دانت و به گردش زمین اشاره می‌کرد. اما کلیسا از شناخت و انقاد کرد که چرا تعداد سیارات را ۷ عدد ندانسته در حالی که تعداد فلزات ۷ است و شمعدان معد ۷ شاخه دارد ا گالیله را به روم احضار کردند، در منزل یکی از اعضای عالی رتبه دیوان تفتیش عقاید جایش دادند و در همین اوقات، دفتر پدر مقدس، مشغول تهیه ادعا بر ضد او بود. از روز ۲۰ ژوئن ۱۶۳۳ میلادی وادارش کردند که توبه‌نامه را امضا کند. «خبرخواه، کامل، مأموران مرگ آفرین کلیسا، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۸، شماره ۱۱، ص ۱۷۷۶».

۸. خبرخواه، کامل، انگیزسیون یا بزرگ‌ترین جنایت کلیسا، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۱۸، شماره ۸، ص ۶۳.

۹. درباره مفهوم انجیل‌ها، ص ۱۶۲؛ به نقل از همان.

۱۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴، چاپ دهم، ص ۲۷۳.

۱۱. آیتسی، محمدابراهیم، اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰.

۱۲. صحنه‌های تکان‌دهنده در تاریخ اسلام، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۱۳. همان، ص ۴۲ و ۴۳.

۱۴. تمدن اسلام و غرب، ص ۳۴۲.

۱۵. بوسنی‌هرزگوین؛ انهدام تاریخ و فرهنگ مسلمانان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۳ / ۷۳.

۱۶. سایت: PALESTINE-PERSIAN.

INFO

۱۷. سایت: BBC.CO.UK/PERSIAN/

NEWS

۱۸. سایت: AVINI.COM.

۱۹. نور، ۵۵.